

## نقش روشهای تدریس در پرورش خلاقیت دانش آموزان ابتدایی

زهرا توکلی زاده نوقابی

دانشجوی کارشناسی پیوسته آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان بنت الهدی صدر شهرستان فردوس، ایران.

[Zahra.tavakolizadeh.nughabi@gmail.com](mailto:Zahra.tavakolizadeh.nughabi@gmail.com)

### چکیده

آموزش درس به شیوه سنتی و حافظه مدار و سخنرانی هرگز کودکان را برای مواجهه با مسایل در هم تنیده دنیای امروز و فردا آماده نخواهد کرد. ذهن کودکان همانند ظرفهای خالی است که در انتظار پر شدن با دانش است. در دنیای کنونی پیشرفت و توسعه هر جامعه را بیش از هر چیز درگرو تربیت نیروهای انسانی کارآمدی می‌دانند که بتوانند با اندیشه پویا و خلاق خود امکانات بالقوه موجود در آن جامعه را به امکانات بالفعل و قابل استفاده تبدیل نمایند. از عوامل مهم در برانگیخته شدن انگیزه و ایجاد رغبت شغلی معلمان این است که معلمان از آسیب های اجتماعی بالایی برخوردار باشند. منزلت اجتماعی معلمان در جامعه ما بسیار پایین است. این یک واقعیت است که فارغ التحصیلان پسر تمایل کمتری برای ورود به حرفه معلمی نشان می دهند و در بعضی کشورها معلمی بیشتر به عنوان حرفه زنان در نظر گرفته می شود. جایگاه معلمان یکی از موضوعات نگران کننده در دهه گذشته بوده است و این نگرانی به صورت بین المللی درآمده است، تلاشهای بسیاری برای پیدا کردن عوامل مؤثر در پایگاه اجتماعی معلمان در سطح جهانی صورت گرفته، تا از این طریق بتوان معلمان را ارتقاء بخشید. در واقع معلم از طریق درگیر شدن در فعالیت های خلاق کودک در رشد خلاقیت او سهیم هستند. خانواده ها باید فرصت های لازم را برای سؤال کردن، کنجکاوی و کشف محیط به کودکان بدهند و هرگز آنان را تنبیه و تهدید نکنند. زمینه رشد خلاقیت در مدرسه زمانی فراهم می شود.

واژگان کلیدی: پرورش، روش، دانش آموزان، تدریس، معلم.

### مقدمه

در چند دهه اخیر، نگرش جهانیان در مورد فرایندهای یاددهی - یادگیری به طور کامل تغییر کرده است. در پژوهش های متعددی نشان داده شده است که آموزش درس، درسی عملی و آزمایشگاهی است اما در ایران بیشتر از روش های سنتی استفاده می شود و رویکرد معلم محوری خاصی بر آن حاکم است. فعالیت های در آموزش این درس در نظام آموزشی کشور جز در موارد اندک، در بیشتر موارد به شیوه سنتی است؛ لذا کودکان ممکن است به هدف های مورد نظر این درس نائل نشوند. (یوسفی، قاسمی، ۱۳۸۸).

با بررسی مراحل رشد کودک می توان متناسب با سن کودک بازی هایی برای آنها طراحی کرد که با اجرای آن، کودکان از توانایی های مناسبی برخوردار شوند. بدیهی است که هر کودکی این مراحل را با توجه به ویژگی های ذهنی - جسمی خود طی می کند ولی رشد کافی به معنای کسب و تسلط بر مهارت ها و توانایی هایی است که کودک در بزرگسالی به آنها احتیاج دارد و

پیشرفت در آن، بوسیله بازی صورت می‌گیرد: که این مهارت‌ها را کودک در طی مراحل زندگی از بدو تولد تا سنین ابتدایی ورود به دبستان می‌گذراند. بازی‌های کودکان در روند رشد و تکامل تغییر می‌کند. در واقع، بازی‌های او، از شکل جسمی و عاطفی خارج شده، از پشتوانه اندیشه و خلاقیت برخوردار می‌شود. البته لازم به ذکر است بازی‌های جسمی، زمینه‌ساز بازی‌های ذهنی در کودک هستند. بازی‌هایی که با فعالیت توأم هستند در جهت تکامل و رشد عضلانی کودک و ورزش دادن قسمت‌های مختلف بدن، از اهمیت و ارزش زیادی برخوردارند. بازی‌های پرتحرک مانند توپ بازی، گرگم به هوا و همه بازی‌هایی که مجال نام بردنشان نیست، هم انرژی اضافی کودک را تخلیه می‌کند و هم عضلات و استخوان‌های او را تقویت می‌کند. انرژی اضافی اگر از طریق صحیح مصرف نگردد و سرکوب و ذخیره شود او را ناآرام، عصبی و بدخلق می‌کند. صداقت و صراحت کودکان، واقعا بی‌نظیر است. کودک به وسیله بازی، فرصت می‌یابد که احساسات خود را هدفدار ابراز نماید. کودک می‌تواند احساساتی از قبیل ترس، رنجش، نگرانی، شادی و... آشکار کرده، خود را آن‌طور که دوست دارد در قالب شخصیت‌های دلخواهش بیان نماید و رضایت و رنجش‌های درونی خود را نیز از بین ببرد. بازی‌های انفرادی مورد دلخواه کودکان که نظم و قاعده خاصی ندارد: این نوع بازی‌ها، فی‌البداهه توسط خود کودک بطور ذهنی تنظیم و اجرا می‌شود. زمان بازی در اختیار کودک است. در این بازی‌ها کودک مطابق میل خود سرگرم می‌شود و به گاه خستگی، بازی را رها می‌کند. در این بازی‌ها معمولاً کودک سعی می‌کند به صورت انفرادی و خود را به نوعی سرگرم نماید. مثلاً به جمع‌آوری اشیاء خاصی مانند صدف، سنگ، تمبر و... می‌پردازد و آنها را در یک مجموعه نگهداری می‌نماید. او از این طریق می‌خواهد احساسات مالکیت جویانه و تعلق خاطر خود را نسبت به یک یا چند چیز، به صورت علنی جامه عمل بپوشاند. سازه انگیزه تحصیلی در محیط‌های آموزشی به رفتارهایی که به یادگیری و پیشرفت مربوط است اطلاق می‌شود (کاستلو، ۲۰۱۸).

امروزه ملت‌ها به نیروهای انسانی جدید و متفکران نو اندیش نیاز دارند. با آن‌که آموختن مهارت‌هایی مانند خواندن، نوشتن و حساب کردن هنوز مهم و اساسی‌اند، اما دیگر کافی به نظر نمی‌رسند. اکنون انتظار میرود دانش آموزشی تربیت شوند که از ادراک، دانش و مهارت برخوردار باشند و بتوانند معلومات خود را به کار ببرند، تحلیل کنند، پرسش کنند، کشف کنند، بیازمایند، بکاوند، مفاهیم را از دیدگاه‌های متعدد بنگرند، عملکرد مؤثر داشته باشند، اندیشه‌ها و نظرات را با استدلال‌های دقیق و به طور مستند ارزیابی کنند، از روش‌های تحقیقی برای بررسی مسائل بهره‌گیرند، با کیفیت به کار و تولید بپردازند، معیارهای عملکرد صحیح را بشناسند و مسائل جدید را در موقعیتهای جدید حل کنند. دانش‌آموزان باید از یادگیری‌های سطحی و مبتنی بر حافظه و تکرار، فراتر رفته، به سوی مهارت‌های تجزیه و تحلیل، ترکیب و ارزشیابی و کاربرد در موقعیتهای جدید، حرکت کنند. تردیدی نیست که نظام آموزشی نیازمند چنین افرادی بوده و می‌باشد. برای بهبود و ایجاد تغییرات اساسی در آموزش و پرورش، بایستی در روش تدریس معلمان تغییر به وجود آید، و به جنبه‌های کاربردی دروس بیشتر توجه شود. دانش‌آموزان باید در یادگیری به درجه‌های برسند تا بتوانند از یافته‌های خود در مسائل جدید زندگی استفاده نمایند. لذا دانش‌آموزان باید در فرایند یاددهی و یادگیری به طور مستقل عمل کنند، پرسشگری نمایند، به کاوش و آزمایش بپردازند و چگونگی تفکر را بیاموزند و هرچه دانش‌آموزان برای درک به کاوش، جستجو، تفکر و بحث بپردازند، یادگیری در لایه‌های عمیق‌تر اتفاق می‌افتد و تا عمق جان و ذهن آنها نفوذ می‌یابد، آن‌گاه میتوانند از یادگیری‌های خود در موقعیتهای جدید استفاده کرده و بهره‌مند شوند. مسایل راه حل و اعتماد به نفس و جرات پیدا می‌کند. کشیدن یک نقاشی می‌تواند برای کودک آرامش و آسایش فراهم سازد و کودک را از تنش‌ها و فشارها برهاند. وسایل این گروه از بازی‌های آموزشی شامل نقاشی، مدادرنگی، گچ، خمیر، موم و سایر موادی است که کودک می‌تواند با آنها چیزهایی بسازد و ارائه دهد. اینها مواردی از نقش بازی در رشد خلاقیت کودکان به شمار می‌رود. محیط خانه برای پرورش خلاقیت کودک بسیار مهم است چون کودک بیشترین مراحل رشد خلاقیت را در خانه سپری می‌کند. همچنین فرهنگ و نگرش‌های فرزند پروری، نظام تربیتی و رفتاری خانواده در شکوفایی خلاقیت حائز اهمیت است. بهترین شکل فعالیت طبیعی

برای هر کودک بازی کردن است. در جریان بازی نیروهای جسمی و ذهنی کودک مثل: خیال بافی، دقت و توجه، نظم و انضباط، چابکی و ... رشد می کنند. همچنین باعث بروز انگیزه در جهت کسب تجارب اجتماعی در کودک می شود. کودکان با بازی می آموزند چطور از فکرشان استفاده کنند و حرکاتشان را کنترل کنند و در آخر احساس خوبی داشته باشند. (رنجدوست و عیوضی، ۱۳۹۲).

معلم، کلیدی ترین و موثرترین عامل و عنصر نظام تعلیم و تربیت است؛ به گونه ای که توفیق یا شکست برنامه ها و فعالیت های آموزشی و پرورشی این نظام، مستقیم یا غیر مستقیم معطوف به معلمان آن می باشد. اهمیت، جایگاه و نقش معلم در تعلیم و تربیت تا حدی است که می توان گفت معلم، کارایی و کفایت او، آئینه ی تمام نمای کفایت و کارایی هر نظام آموزش و پرورش می باشد و مهم ترین وسیله رسیدن جامعه به غایات و هدف های آموزش و پرورش، معلم صاحب صلاحیت است (رئوف، ۱۳۷۹؛ تقی پور ظهیر، ۱۳۸۱). باید توجه داشت که هر دانش آموز نسخه ی بی نظیر عالم خلقت است، پس داشتن نگاهی موشکافانه به شخصیت و منش دانش آموزان سبب می شود که هر یک را همچون جهانی ناشناخته و نسخه ای متفاوت در عالم هستی بدانیم و به تفاوت های فردی آنها توجه نماییم. لذا این مهم یکی از اصولی است که هر معلم باید بدان توجه داشته باشد. در حال حاضر تعلیم و تربیت مهمترین اصل توسعه هر کشور است و رسالت انتقال مجموعه باورها، اندیشه ها، رفتارها و مهارتهای جامعه به نسل جدید بر عهده آموزش و پرورش است. در واقع هر گونه پیشرفت و تحول در جامعه مستلزم آموزش و پرورش صحیح و قوی است، از آنجا که موفقیت آموزش و پرورش به عوامل آن وابسته است و در میان مجموعه عوامل معلمان مهم ترین نقش را ایفا می کنند، معلمان توجه ویژه ای را می طلبند. چنانکه هیچ کشوری نمی تواند از سطح معلمانش بالاتر رود (دهقان، ۱۳۷۶). درک حساسیت نقش معلمان در فرایند تعلیم و تربیت از سوی عموم مردم جامعه و ارزش نهادن بر آن به مفهومی اشاره دارد که در جامعه شناسی معادل منزلت و آسیب های اجتماعی است. آسیب های اجتماعی، ارزشی است که یک گروه به یک نقش می دهد (آریانپور، ۱۳۵۶).

ما شاهد این هستیم که معلمان تازه نفس اغلب همانطور رفتار می کنند که معلمانشان با آنها رفتار می کردند و این کار اشتباه است. اگر این رفتار ادامه داشته باشد، دانش آموزان به صورت انفعالی تربیت می شوند و معلمان باید این را بدانند که اگر واقعاً خیر و صلاح دانش آموزان را می خواهند؛ به جای اینکه به آنها ماهی بدهند، ماهی گیری را یادشان بدهند و یا به تعبیر دیگر از شهید مطهری: «من ستایشگر معلمی هستم که اندیشیدن را به من آموخت، نه اندیشه ها را». مطالعات نشان می دهد که برنامه های آموزشی فعلی در پرورش اندیشیدن، پرسشگری و درست انتقاد کردن کارایی مطلوبی ندارند. (غریبی، ۱۳۸۷)

یکی از عادت های نامناسب نظام آموزشی ما، در فرایند یاددهی-یادگیری تکیه بیش از حد بر تکرار اطلاعات و انباشتن آنها در حافظه می باشد. از این منظر، دانشجوی موفق فردی است که رفتار و عملکردش جامعه پسند و قابل پیش بینی باشد و نمره های بالایی در واحد های درسی کسب کند. این فرایند یادگیری است که برای حفظ سیستم موجود و بازسازی شیوه ی متداول زندگی، طرح ریزی شده و نیازهای ثابت و مشخصی را پاسخگو می باشد. نتیجه ی این فرایند، از بین رفتن روحیه ی کنجکاوی، کاوش، چالشگری، خلاقیت و نوآوری در دانشجویان است. (جان هولت؛ ۱۹۸۲)

در ایران با استناد به تحقیقات انجام گرفته چنانچه به عوامل مؤثر بر آسیب های اجتماعی معلمان توجه شود و با شناخت این عوامل برای رفع مشکلات تلاش شود، بی تردید در امر آموزش و پرورش اثرات مثبت بسیاری خواهد داشت. این امر محقق را واداشت تا با انجام چنین تحقیقی در جهت عوامل مؤثر بر آسیب های اجتماعی معلمان قدمی در این راه مهم بردارد.

پژوهش ها نشان می دهد که یادگیری مفاهیم، در شرایطی رخ می دهد که کودکان انگیزه پیدا کرده و به طرف مطلب جدید جذب شوند. شیوه های نوین تدریس در آموزش و پرورش کمک می کند که کودکان به کارهای نو دست بزنند و با هر موضوعی خلاقانه

برخورد کنند. در نظام‌های آموزشی نیز تاکید عمده بر پرورش خلاقیت کودکان است. خلاقیت برای بقای هر جامعه‌ای لازم است و برای ایجاد و تداوم آن در افراد، بایستی عادت به تفکر را در آن‌ها ایجاد کرد چرا که خلاقیت با تفکر به وجود می‌آید. یکی از هدف‌های مهم در محیط پرتلاطم و متغیر کنونی، آموختن شیوه‌های خلاقیت و نوآوری است و یکی از الگوهای تدریس که باعث پرورش ظرفیت مشکل‌گشایی کودکان و هدایت آن‌ها به بیان خلاق می‌شود پرورش خلاقیت است. روش تدریس هنر از جمله روش‌های پرورش خلاقیت محسوب می‌شود که به وسیله ویلیام جی. جی. گوردون و همکارانش (۱۹۶۱). ابداع گردید. گوردون مطالعه موردی بر روی افرادی را آغاز کرد که به طور همزمان در پروژه مربوط به خلاقیت و روانکاوی درگیر بودند. نتایج مصاحبه‌ها، گویای علاقه فزاینده به تشابهات خلاق در بود و این تشابهات رویکرد خلاقیت را برای هر دوی دانشمندان و هنرمندان آسان می‌کرد. پرداختن به فعالیت‌های استعاری در روش هنر ساختی را به وجود می‌آورد تا اشخاص به وسیله آن بتوانند خود را برای تخیل و ایجاد بصیرت در فعالیت‌های روزانه رها سازند. گوردون به این شیوه «آشنایی سازی» می‌گوید، یعنی فرد تلاش می‌کند تا با دیدی تازه به چیزهای آشنا بنگرد. اساس تفکر هنر فعالیت استعاری و تمثیلی است که براساس شباهت امور و مقایسه آن با یک چیز یا یک فکر به جای یک چیز یا فکر دیگر ساخته می‌شود (حسینی و همکاران، ۱۳۸۷).

اوجی نژاد (۱۳۸۶). آلان و ریچارد (۲۰۰۶). بیان داشته‌اند، هنگامی که کودکان برخی چیزها را در مورد توضیحات متوجه نمی‌شوند با این که بعضی از اطلاعات در توضیحات آن‌ها و بعضی از مهنر ات فرضی وجود ندارد و همچنین در مواردی که مفهوم خارج از تجربه کودکان باشد راه مناسب استفاده از یک قیاس با مدل است (شریفی، داوری، ۱۳۸۷). تأثیر پرورش خلاقیت را بر پیشرفت تحصیلی در درس انشا و مورد تأیید قرارداده‌اند. روش هنر در پژوهش نوبی (۲۰۰۹). افزایش خلاقیت و حل مشکلات را به دنبال می‌آورد.

## یافته‌ها

یافته‌های حاصل از بررسی این فرضیه‌ها نشان داد که بین رعایت استانداردهای حرفه معلمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند (عبدالهی و همکاران، ۱۳۸۸) مطابقت دارد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که استانداردهای حرفه معلمی شامل مهارت‌هایی (مهارت‌های ارتباطی معلمان، مهارت‌های ارتباطی معلمان، روش‌های معلمی، دانش و مهارت‌های روش معلمی و حرفه‌ای و منش‌ها و توانایی انجام فعالیت‌های حرفه‌ای) است که با هدف ایجاد تحول در زندگی دانش‌آموزان از طریق ایجاد آمادگی در معلمان طراحی شده‌اند (مقیم و رمضان، ۱۳۹۵) هنگامی که معلمان در این مهارت‌ها تخصص و توانایی کافی و لازم را داشته باشند، می‌توانند از دانش، مهارت‌ها و تخصص خود در فرایند یاددهی-یادگیری استفاده نمایند و بدین ترتیب زمینه مساعدی را برای پیشرفت تحصیلی بیشتر دانش‌آموزان فراهم سازند. یافته‌های حاصل از بررسی فرضیه که بین مهارت‌های ارتباطی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهرستان چالوس رابطه وجود دارد. بین مهارت‌های ارتباطی معلمان و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان استان فارس رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که معلم باید از دانش مرتبط با موضوعی که تدریس می‌کند برخوردار باشد و به مطالعه و تحقیق حرفه‌ای در خصوص دیدگاه‌های تئوریک متعددی پیرامون روش کلاس داری و تدریس بپردازد و نیز از دانش مرتبط با تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان برای برنامه‌ریزی، یافته‌های حاصل از بررسی این فرضیه که بین مهارت‌های ارتباطی معلمان روش‌های معلمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. نشان داد که بین مهارت‌های ارتباطی معلمان روش‌های معلمی و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده‌اند در تبیین این یافته می‌توان گفت که معلم باید از دانش کافی در

زمینه برنامه ریزی برای تدریس و استراتژی های آموزشی متنوع برای انتقال مطالب و نیز روش های متنوع ارزشیابی رسمی و غیر رسمی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان برخوردار باشد. بدیهی است که معلم متخصص در این زمینه می تواند راهکارهای مناسبی را در فرایند یاددهی-یادگیری برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تعبیه نماید و به آنها در جهت موفقیت تحصیلی کمک نماید د سازگاری دارد (به نقل از: سیاوش حقیقی، ۱۳۷۳).

درک حساسیت نقش معلمان در فرایند تعلیم و تربیت از سوی عموم مردم جامعه و ارزش نهادن بر آن به مفهومی اشاره دارد که در جامعه شناسی معادل منزلت و آسیب های اجتماعی است. آسیب های اجتماعی، ارزشی است که یک گروه به یک نقش می دهد (آریانپور، ۱۳۵۶).

ما شاهد این هستیم که معلمان تازه نفس اغلب همانطور رفتار می کنند که معلمانشان با آنها رفتار می کردند و این کار اشتباه است. اگر این رفتار ادامه داشته باشد، دانش آموزان به صورت انفعالی تربیت می شوند و معلمان باید این را بدانند که اگر واقعاً خیر و صلاح دانش آموزان را می خواهند؛ به جای اینکه به آنها ماهی بدهند، ماهی گیری را یادشان بدهند و یا به تعبیر دیگر از شهید مطهری: «من ستایشگر معلمی هستم که اندیشیدن را به من آموخت، نه اندیشه ها را». مطالعات نشان می دهد که برنامه های آموزشی فعلی در پرورش اندیشیدن، پرسشگری و درست انتقاد کردن کارایی مطلوبی ندارند. (غریبی، ۱۳۸۷)

یکی از عادت های نامناسب نظام آموزشی ما، در فرایند یاددهی-یادگیری تکیه بیش از حد بر تکرار اطلاعات و انباشتن آنها در حافظه می باشد. از این منظر، دانشجوی موفق فردی است که رفتار و عملکردش جامعه پسند و قابل پیش بینی باشد و نمره های بالایی در واحد های درسی کسب کند. این فرایند یادگیری است که برای حفظ سیستم موجود و بازسازی شیوه ی متداول زندگی، طرح ریزی شده و نیازهای ثابت و مشخصی را پاسخگو می باشد. نتیجهی این فرایند، از بین رفتن روحیه ی کنجکاوی، کاوش، چالشگری، خلاقیت و نوآوری در دانشجویان است. (جان هولت؛ ۱۹۸۲)

در این تحقیق بحث ما نقش معلمان و ارزشی است که جامعه برای آن قائل می شود. یکی از عوامل مهم در ایفای شایسته نقش معلمان انگیزه قوی آنهاست (رامانادان، ۱۹۹۶)، و از عوامل مهم در برانگیخته شدن انگیزه و ایجاد رغبت شغلی معلمان این است که معلمان از آسیب های اجتماعی بالایی برخوردار باشند. با این وجود شواهد و تحقیقات پیشین که توسط شهین بهمنی در سال ۱۳۸۰، برزگر و نویدی در سال ۱۳۸۰، راضیه نوری در سال ۱۳۷۵ و ... نشان می دهد که منزلت اجتماعی معلمان در جامعه ما بسیار پایین است. این یک واقعیت است که فارغ التحصیلان پسر تمایل کمتری برای ورود به حرفه معلمی نشان می دهند و در بعضی کشورها معلمی بیشتر به عنوان حرفه زنان در نظر گرفته می شود (مختاری، ۱۳۷۲).

معلم، کلیدی ترین و موثرترین عامل و عنصر نظام تعلیم و تربیت است؛ به گونه ای که توفیق یا شکست برنامه ها و فعالیت های آموزشی و پرورشی این نظام، مستقیم یا غیر مستقیم معطوف به معلمان آن می باشد. اهمیت، جایگاه و نقش معلم در تعلیم و تربیت تا حدی است که می توان گفت معلم، کارایی و کفایت او، آینه ی تمام نمای کفایت و کارایی هر نظام آموزش و پرورش و پرورش می باشد و مهم ترین وسیله رسیدن جامعه به غایات و هدف های آموزش و پرورش، معلم صاحب صلاحیت است (رئوف، ۱۳۷۹؛ تقی پور ظهیر، ۱۳۸۱). باید توجه داشت که هر دانش آموز نسخه ی بی نظیر عالم خلقت است، پس داشتن نگاهی موشکافانه به شخصیت و منش دانش آموزان سبب می شود که هر یک را همچون جهانی ناشناخته و نسخه ای متفاوت در عالم هستی بدانیم و به تفاوت های فردی آنها توجه نماییم. لذا این مهم یکی از اصولی است که هر معلم باید بدان توجه داشته باشد. مسلط بودن و استفاده از روش های یادگیری مختلف در حین تدریس نیز می تواند در تعمیق یادگیری دانش آموزان موثر باشد. مثلاً اگر روش پرسش و پاسخ با طرح پرسش های هنرمندانه، هدفمند، منطقی، واضح و روشن مبتنی بر زمینه های علمی شاگردان، واگرا و برانگیزاننده از سوی معلم همراه شود، می تواند به پرورش و تقویت قدرت تفکر، استدلال و اظهار نظر، تفکر انتقادی، خلاقیت، اعتماد به نفس و انگیزه ی مطالعه و تحقیق در دانش آموزان کمک نماید (جاودانی، ۱۳۹۱، ص ۴۹).

سرعتی که دانش آموز در تکمیل پایه‌ها و درجات گوناگون دارد و بر حسب مقدارش، پیش افتادگی و سرعت یا عقب ماندگی وی اندازه‌گیری می‌شود (بیابانگرد، به نقل از مرادی، ۱۳۸۷). پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از شاخص‌های مهم در ارزشیابی آموزش و پرورش است و تمام کوشش‌ها در این نظام در واقع تلاش برای جامعه عمل پوشاندن به این امر تلقی می‌شود. به طور اعم کل جامعه و به طور اخص نظام آموزش و پرورش نسبت به سرنوشت کودکان، رشد و تکامل موفقیت آمیز آنان و جایگاه آنها در جامعه علاقه مند و نگران است و انتظار دارد دانش آموزان در جوانب گوناگون، اعم از ابعاد شناختی و کسب مهارت و توانایی‌ها و نیز در ابعاد عاطفی و شخصیتی، آنچنان که باید پیشرفت و تعالی یابند (پورشافعی، به نقل از مرادی ۱۳۹۲).

### بحث و نتیجه‌گیری

آموزش و پرورش، زیر بنای توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه است. بررسی عوامل مؤثر بر پیشرفت و ترقی جوامع پیشرفته نشان می‌دهد که همه این کشورها، آموزش و پرورش توانمند و کارآمدی داشته‌اند. همچنین در هر نظام آموزشی، عوامل بسیاری با یکدیگر عمل می‌کنند تا یادگیری و پیشرفت تحصیلی برای دانش‌آموزان حاصل گردد. هر قسمت از این نظام باید به گونه‌ای آماده شود که دسترسی به بازده مطلوب و اهداف مورد نظر میسر شود، زیرا اگر جزئی از نظام از کار باز ایستد، کارایی اجزای دیگر نظام کاهش یافته و صدمه خواهد دید. با در نظر گرفتن و تجزیه و تحلیل درون داده‌هایی از قبیل متغیرهای فیزیکی، می‌توان با آگاهی بیشتری اقدام به برنامه‌ریزی نمود. البته علاوه بر عوامل فیزیکی، متغیرهای زیاد دیگری نیز وجود دارند که فرآیند یادگیری و پیشرفت تحصیلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند که با انجام پژوهش می‌توان میزان تأثیر آنها را تشخیص داد. وقتی که نظامهای آموزشی اطلاعات لازم را در چنین زمینه‌های اساسی در اختیار نداشته باشند، نمی‌توان عملکرد صحیح را در عرصه‌های مختلف آموزشی و پرورشی انتظار داشت. یافته‌ها حاکی از وجود رابطه معنادار بین عوامل خانوادگی با پیشرفت تحصیلی فرزندان در دو گروه دختر و پسر می‌باشد. عوامل خانوادگی بررسی شده شامل پایگاه اجتماعی-اقتصادی سطح تحصیلات در خانواده، امکانات و توجه و نابسامانی و مشکلات در خانواده می‌باشد که با پیشرفت تحصیلی رابطه معنا دار دارند. هدف عمده فعالیت‌های پرورشی معلم یا مربی این است که دانش‌آموز به تدریج از انگیزه‌های بیرونی به سمت انگیزه‌های درونی هدایت شود. تفاوت اساسی افراد دارای انگیزه درونی با افراد دارای انگیزه بیرونی این است که افراد با انگیزه درونی احساس کفایت بیشتری در خود دارند و کمتر به دیگران اجازه می‌دهند که محرک رفتارشان شوند. این گروه از دانش‌آموزان، خود تعیین کننده رفتارها هستند و به خاطر کفایتی که در خود احساس می‌کنند، باور دارند که می‌توانند با رفتارشان بر محیط خود تأثیر بگذارند. این گروه از دانش‌آموزان با انگیزه درون‌گرا، تصورشان این است که موفقیت و عدم موفقیت در تحصیل به خاطر نحوه رفتار صحیح یا غلط خودشان است و در نتیجه در صورت وجود مانعی در راهشان بر خلاف افراد با انگیزه بیرونی که شکست خود را به عواملی مثل "سوالات سخت" بود یا "معلم از من بدش میاد" نسبت می‌دهند از حرکت نمی‌ایستند و خود تلاش می‌کنند آن موانع را رفع کنند. از آنجایی که انسان آمادگی دارد تا فعالیت‌ها و تصوراتش را تعمیم دهد، موفقیت در یک درس منجر به موفقیت در درس دیگر می‌شود و این موضوع در مورد درس اصلی هر رشته مهم تر است؛ در واقع، ضعف درسی در این درس منجر به بی‌علاقگی به تحصیل و گاهی حتی ترک تحصیل می‌شود و البته عکس آن هم صادق است. به همین علت به معلمان درس اصلی هر رشته توصیه می‌شود، شرایط آموزشی و امتحانی را مطلوب نمایند و با ارزشیابی‌های مناسب فضای کلاس را لذت‌بخش کنند. «بچه‌ها استعدادها و خلاقیت‌های نهفته دارند که گاهی ما معلم‌ها با ندانم کاری، آن‌ها را در نطفه خفه می‌کنیم ... نظام تعلیم و تربیت ما چنین کاری با بچه‌ها می‌کند. آنهایی را که استعداد بیشتر دارند، محدود می‌کند و به آنهایی هم که استعداد لازم را در یک زمینه ندارند، آن قدر فشار می‌آورد که از درس ناامیدشان می‌کند». (شکوهی، ۱۳۸۵)

در تبیین این یافته می توان گفت که معلم باید از دانش مرتبط با موضوعی که تدریس می کند برخوردار باشد و به مطالعه و تحقیق حرفه ای در خصوص دیدگاه های تئوریک متعددی پیرامون روش کلاس داری و تدریس بپردازد و نیز از دانش مرتبط با تفاوت های فردی دانش آموزان برای برنامه ریزی، یافته های حاصل از بررسی این فرضیه که بین مهارت های ارتباطی معلمان روش های معلمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه وجود دارد. نشان داد که بین مهارت های ارتباطی معلمان روش های معلمی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. این یافته با نتایج به دست آمده از پژوهش هایی که در این زمینه انجام شده ان در تبیین این یافته می توان گفت که معلم باید از دانش کافی در زمینه برنامه ریزی برای تدریس و استراتژی های آموزشی متنوع برای انتقال مطالب و نیز روش های متنوع ارزشیابی رسمی و غیر رسمی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان برخوردار باشد. بدیهی است که معلم متخصص در این زمینه می تواند راهکارهای مناسبی را در فرایند یاددهی- یادگیری برای پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تعبیه نماید و به آنها در جهت موفقیت تحصیلی کمک نماید، سازگاری دارد.

معلمی شغل و حرفه نیست، بلکه ذوق و هنر توانمندی است. معلمی در قرآن به عنوان جلوه های از قدرت لایزال الهی است. در نخستین آیات قرآن که بر قلب مبارک پیامبر اکرم (ص) نازل شد، به این هنر خداوند اشاره شده است: «أَفْرَأَى بِإِسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ...» خداوند، خود را معلم میخواند و جالب اینکه معلم بودن خود را بعد از آفرینش پیچیده ترین و بهترین شاهکار خلقت، یعنی انسان آورده است. نباید تنها با این توجیه که معلمی شغل انبیا است، از توجه به نیازها و سختیهای که معلمان تحمل میکنند، چشم پوشید. اگر معلمی شغل انبیا است، باید این را نیز به خاطر داشت که انبیا بر انسان منت گذارده اند. در آیات و وحیانی نیز حقی که آنان بر گردن انسانها دارند، گوشزد شده است. کار معلم با انسان است و انسان به عنوان اشرف مخلوقات، پیچیدهترین سیستمی است که در طبیعت مشاهده میشود. این موجود نه تنها خود پیچیده است، بلکه در جامعه رابطه پیچیده تری را به وجود میآورد که پیشبینی رفتار و سخن گفتن دقیق درباره او را به حداقل میرساند. اصولاً سروکار داشتن با انسان کار بسیار سختی است، خصوصاً اگر سروکار با اجتماع انسان ها باشد، کار سخت تر میشود. چون انسانها در اجتماع از نظر روانی، رفتارهای خاصی را از خود نشان میدهند که به تنهایی آن رفتارها را از خود بروز نمیدهند. برخورد با انسانهایی که در یک جا جمع شدهاند و با هم همسویی میکنند و اهداف مشترکی را دنبال میکنند و هر کدام شخصیت ویژه های دارند باید بسیار هوشیارانه و ماهرانه باشد که کار هر کسی نیست. معلمی نیاز به توانایی و صرف انرژی فراوان دارد.

در پی پیشرفت علوم و فنون، دانشهای مربوط به اداره انسانی به همراه نگرشهای مدیریتی تحول یافته است و به دنبال چنین دیدگاهی نقش انسان در اداره سازمانها در زمینه امور کارکنان از کارگزینی به مدیریت منابع انسانی و امور کارکنان ارتقاء یافته و آنچه در ابتدا به صورت صدور حکم اشتغال مطرح بوده، به توسعه انسانی و بهبود کیفیت زندگی کاری تغییر جهت داده است (سید جوادین، ۱۳۸۳، ص ۲۱۱).

مانستربرگ در کتاب خود تحت عنوان «روانشناسی و کارآیی هوگو مانستربرگ صنعتی» آزمایشهای روانشناختی با ارزشی را برای گماردن افراد مناسب در شغل مناسب فراهم آورده است. مانستربرگ برای یافتن بهترین فرد مناسب یک شغل و همچنین انطباق خود شغل با ویژگیها، مشخصات و توانایی های انسانی، تالش بسیار کرد. یکنواختی، خستگی و عوامل روانی و دیگر متغیرهای مؤثر بر کارکرد و عملکرد او را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار داد. همچنین تأثیر عوامل اجتماعی خارجی و فرهنگی روی فرد و عملکرد شغلیاش را در این کتاب تشریح نموده است.

فهرست منابع :

- ابراهیمی، پروانه (۱۳۸۲) بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی معلمان (استان تهران، سرای احسان)، پایان نامه مقطع کارشناسی، واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی.
- آشتیانی، هادی (۱۳۸۴). توصیف و اولویت بندی عوامل رضایت شغلی معلمان تربیت . پورصمد، حجت الله. (۱۳۷۲). بررسی رضایت های شغلی معلمان کهکیلوپه (دهدشت). زندگی نامه و خدمات علمی و فرهنگی دکتر غلامحسین شکوهی ، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
- سام خانیان ، محمد ربیع ؛ و نوآوری در سازمان آموزشی ، تهران ، چاپ سوم ، ویرایش دوم ، انتشارات رسانه تخصصی. سلطان القرایی ، خلیل و سلیمان نژاد، اکبر، (۱۳۷۷) تفکر انتقادی و ضرورت آموزش آن در کلاس درس، دو فصلنامه ی تربیت اسلامی، سال سوم.
- سلیمانی ، افشین، کلاس خلاقیت، چاپ پنجم، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- سیف ، علی اکبر؛ روانشناسی پرورش نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش، چاپ چهارم ویرایش هفتم، تهران، انتشارات دوران.
- شعبانی ، زهرا؛ بررسی تطبیقی تربیت معلم در ایران و چند کشور جهان. فصل نامه ی تعلیم و تربیت، سال بیستم، شماره ی ۱۰ - ۰۶۰، صص ۹.
- شعبانی، حسن؛ تأثیر روش حل مسأله بصورت کارگروهی بر تفکر انتقادی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه چهارم ابتدایی. رساله دکتری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شعبانی ، حسن ؛ روش تدریس پیشرفته (آموزش مهارت ها و راهبردی تفکر)، تهران، انتشارات سمت.
- دانشخانه، فاطمه. (۱۳۷۳). رابطه میان میزان مقبولیت مدیران بارضایت شغلی معلمان . رووف، علی (۱۳۷۹). بررسی جنبش جهانی برای بهسازی تربیت معلم، تهران.
- ساعتچی، محمود (۱۳۷۴). روانشناسی کاربردی برای مدیران درخانه ومدرسه، تهران: سیدجوادین، سیدرضا (۱۳۸۶). مبانی سازمان و مدیریت، نگاه دانش، چاپ دوم.
- شاه محمدی، نیره (۱۳۹۳). صلاحیت‌ها و شایستگی‌های آموزگار عصر حاضر، نشریه رشد . شکرکن، حسین (۱۳۸۱). بررسی روابط ساده و چندگانه عدالت سازمانی
- شمس، محمدشهاب (۱۳۸۴) فن آوری اطلاعات و ارتباطات در عرصه آموزش معلمان، انتشارات کمیسیون . شیرکول، ماندانا (۱۳۸۴). عوامل موثر بر فرسودگی شغلی معلمان دانش.
- شیرازی، رباب. (۱۳۷۸) بررسی عوامل موثر بر انگیزه انتخاب شغل معلمی از دیدگاه دبیران زن . عباسزاده، محمد. (۱۳۷۶). بررسی عوامل موثر بر رضایت وعدم رضایت شغلی معلمان، فصلنامه .
- عسگری، گیتا. کلدی، علیرضا (۱۳۸۱). بررسی میزان رضایت شغلی معلمان .
- عسگریان، مصطفی. (۱۳۷۸). روابط انسانی و رفتار سازمانی، تهران : امیرکبیر.
- علیشاهی بجستانی، مجید. (۱۳۷۶). بررسی میزان رضایت شغلی دبیران مرد آموزش و پرورش منطقه .
- ابراهیمی، پروانه (۱۳۸۲) بررسی وضعیت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی معلمان (استان تهران، سرای احسان)، پایان نامه مقطع کارشناسی، واحد تهران شمال، دانشکده مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی.
- آرزومندی، نیره (۱۳۸۲) بررسی مقایسه ای ویژگی های خانوادگی - اجتماعی آموزگاران ، پایان نامه مقطع کارشناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی استان تهران (۱۳۸۰) .
- آزاد ارمکی، تقی. بهار، مهری. (۱۳۷۷). بررسی مسائل اجتماعی، تهران، موسسه نشر جهاد.
- توسلی، غلامعباس، (۱۳۷۹)، نظریه های جامعه شناسی، تهران، انتشارات سمت.
- ریتزر، جورج. (۱۳۷۴)، نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی .



- Aptekar, L. (1994) "Street Children in the Developing World: A Review of Their Condition", *Cross-Cultural Research*, 28 (3): 195-224.
- Black, M. (1993) *Street and Working Children: Global Seminar Report*, Florence: UNICEF.
- Clark, M. (1982) "Support Networks and Survival Strategies of the Urban Poor: A Review of the Kenyan Literature", *Urban and Regional Reports* 82-89, New York: The World Bank.
- Khan, S.; R. Kunz; J. Kleignen & G. Antes (2003) *Systematic Review to Support Evidence Based Medicine: How to Review and Apply Findings of Healthcare Research*, London: Royal Society of Medicine Press Ltd.
- Lemba, M. (2002), *Rapid Assessment of Street Children in Lusaka*, Fountain of Hope, FLAME, Jesus Cares Ministries, Lazarus Project, Zambia.
- Linda, A. (1999), *Understanding Social Problem*, wadsworth, united states of America.
- Merton, R. K. (1938), *Social Structure and Anomie*, *ASR*, 3, 672-685.
- Merton, R. K. Nisbet, R. (1976), *Contemporary Social Problems*, New York, Harcourt Brace Jovanovich.
10. Siglo & Garsia. (1995), *Working with Street and Working Children*, UNESCO, 1995.